

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

شبا هنگ راد

۲۸ فبروری ۲۰۱۳

در یادمان کمونیست‌های یازده اسفند [حوت] پنجاه!

به دلایل چندی، تجلیل و یادمان از روزهای همچون یازده حوت ضروری است. این‌که می‌باید حافظه تاریخی را از وقوع چنین روزهای زنده نگه داشت؛ این‌که نیاز است، اعلام نمود که جنبش‌های ضد امپریالیستی جامعه مان برای دستیابی به خواسته‌های ابتدائی کارگران و زحمت‌کشان، چه انسان‌های ارزشمند و کمونیستی را از دست داده است؛ این‌که ضروری است، توضیح داده شود که به دلیل کثرت و گسترده‌گی جنایات رژیم جمهوری اسلامی، نمی‌توان از اعمال خشونت‌بار و ضد انسانی رژیم شاهنشاهی گذشت و ماهیت جنایت‌کاران را کمرنگ و یا لاپوشانی نمود؛ این‌که نسل‌های آتی و آتی باید بدانند که نظام‌های سرمایه‌داری وابسته، چه بر سر کمونیست‌ها و مخالفان و آن‌هم در دوره‌های متفاوت آورده‌اند؛ این‌که از منظر کمونیستی می‌باید بر این ایده پای فشرده که دنیای سرمایه‌داری و حامی‌شان، علی‌رغم تفاوت‌های چند و صوری، از مسیر واحد و یکسانی پیروی نموده و در حفظ و پایداری مناسبات کنونی، تفاوت بنیادینی با هم ندارند.

یازده حوت سال پنجاه بود که رژیم شاهنشاهی، رفقاء مسعود احمدزاده، عباس مفتاحی، اسدالله مفتاحی، مجید احمدزاده، غلامرضا گلوی و حمید توکلی را به جوخه اعدام سپرد. سال پنجاه بود و سال گسترده‌گی سرکوب و سال بگیر و ببند کمونیست‌ها و انقلابیون توسط ارگان‌های مخوف نظام گذشته. یک سالی از حماسه سیاهکل گذشته بود و ساواک به‌منظور ایجاد رعب و وحشت هر چه بیشتر در درون جامعه، و به‌منظور جلوگیری از گسترش جنبش کمونیستی به هر سوراخ و سنبه‌ای سرک می‌کشید و قصد داشت تا با تعرض بی‌وقفه به مخالفان و کمونیست‌ها، صدای انقلاب و انقلابیون را خفه نماید. بر این باور بود که می‌توان به یمن سلاح و زور، تا ابد مردم را در پستی خانه‌هایشان محبوس نگه داشت. در حقیقت سال پنجاه، سالی بود که "زنگ بزرگ خون به‌صدا در آمد" و آوای آزادی و رهائی در سرتاسر جامعه طنین‌انداز شد. از یک‌سو جلادان شاهنشاهی در صدد شکار و کشتار انقلابیون و کمونیست‌ها بودند و از دگرسو، جنبش کمونیستی راه صحیح خود را باز یافت و این‌بار تجلی خود را در قامت کمونیست‌هایی همچون احمدزاده‌ها و مفتاحی‌ها و دیگر یارانش به‌نمایش گذاشت. کمونیست‌ها و مبارزینی که علی‌رغم تنگناهای مبارزاتی و علی‌رغم بی‌جوشی و بی‌حرکی، به میدان آمدند تا مسیر ایستائی و سکونی مبارزه را تغییر دهند؛ به میدان آمدند تا تفاوت مابین حرافان و بی‌عملان را، با کمونیست‌های حقیقی و عمل‌گرا نشان دهند؛ آری سال پنجاه، سال رو در روئی، و سال جنگ نابرابر انقلابیون با ضد انقلابیون حاکم بود؛ ضد انقلابیونی که کمر به تار و مار نمودن کمونیست‌ها و انقلابیون بستند و صفحه‌ای دیگری از دنانت و وحشی‌گری خود را گشودند.

در چنین دورانی، دستگیری، شکنجه و اعدام کمونیست‌ها و مبارزان از زمره وظایف مهم ارگان‌های مخوف رژیم شاهنشاهی را تشکیل می‌داد. حمله به زندانیان سیاسی و صدور حکم‌های طول‌المدت و کشتار مبارزان و کمونیست‌ها در خانه‌های تیمی، خیابان‌ها و تپه‌های اوین، نشان‌گر این واقعیات بود که رژیم شاهنشاهی به‌مانند تمامی رژیم‌های خشن و هار، وظیفه‌ای جز، سرکوب مخالفت‌های مردمی و فرزندان‌شان بر عهده ندارد. شاه جلاد دست به دستگیری و جنایت می‌زد، تا بیش‌تر بر دوام بماند؛ بر سرمایه‌های خود می‌افزود تا بر خرابه‌های زندگانی میلیون‌ها انسان ندار بیفزاید، کاری که امروزه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و آن‌هم در ابعادی گسترده‌تر در پی آنند و شکی در آن نیست که حاکمان کنونی، پی‌گیر سیاست‌های حاکمان گذشته‌اند. در بنیان، خط و مرز و میزان متفاوتی مابین این رژیم - یعنی جمهوری اسلامی - با رژیم گذشته - یعنی شاهنشاهی - نیست و خطاست، این‌گونه پنداشته و یا تبلیغ شود که این دو رژیم، از دو صیغه متفاوت‌اند؛ خطاست که بر چنین ایده‌ای تأکید گردد که رژیم شاهنشاهی مطلوب‌تر و یا معتدل‌تر از رژیم کنونی بود و به‌همین دلیل، مرادوه و یا باب گفت و گو با حامیان آنان بی ایراد است. مسلماً تبلیغ و ترویج چنین ایده‌هایی بغایت ناصحیحی در تخالف با منافع کارگران و زحمت‌کشان و آرمان کمونیستی‌ست. کمونیست، مخالف مدارا و مخالف تطهیر جناح‌های مغلوب و بر کنار شده نظام‌های سرمایه‌داری‌ست، و در این‌میان کمونیست از میان بد و بدتر، به دنبال بد نیست و از سر ناعلاجی و مهمتر از همه این‌ها به دلیل عقب‌نشینی و شکست و بی‌عملی، در پی تحقق سیاست‌های مخالفان دولتی - حکومتی و مدافعان مناسبات کنونی نیست. کمونیست حقیقی همواره و وفادار به سیاست و منافع طبقاتی توده‌های محروم و همچنین ایستادگی و مقاومت در مقابل قداربندان و سرکوب‌گران است. سیاست‌کرنش و هم‌سوئی با سرمایه‌داران و وابستگان نظام‌های جهل و سرکوب، سیاست کمونیستی نیست. وظیفه‌ای که رفقاء مسعود احمدزاده و دیگر یارانش در یازده حوت پنجاه، به دوش کشیدند و دست رد بر سیاست‌های مماشات‌طلبانه زدند.

اگر چه لازم به تأکید است که چنین روزهایی، یعنی روزهای مقاومت و ایستادگی کمونیست‌ها و انقلابیون و آن‌هم در مقابل رژیم‌های هار و زورگو، فراوان‌اند و مختص به یازده حوت پنجاه نیست. به حق که تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی جامعه مان مملو از فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و وفاداری به آرمان توده‌های ستم‌دیده و خلق‌هاست. در حقیقت تقویم مبارزاتی کارگران و زحمت‌کشان و فرزندان‌شان، پُر از تعرض حاکمان زورگو، به جان و مال آنان و کمونیست‌ها می‌باشد. برآستی که رژیم‌های ضد خلقی و ارتجاعی برای این زاده شده‌اند تا اعتراضات حق‌طلبانه را به عقب، برانند؛ برای این زاده شده‌اند که فاجعه‌هایی همچون یازده حوت‌ها را خلق نمایند و پر واضح است که در این‌میان رژیم‌هایی همچون رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی، مسبب و مولد چنین فجایع غیر انسانی و روزهای غم‌انگیزاند. این نظام‌ها، هزاران کمونیست و انقلابی را روانه شکنجه‌گاه‌ها و بدن‌های‌شان را مثله نمودند و آن‌چنان فضائی ناامنی را برای میلیون‌ها انسان به وجود آورده‌اند که توضیح همه جانبه آن‌ها ناممکن می‌باشد.

کار و بار این نظام‌ها، محترم شمردن به حقوق پایینی انسان‌ها نیست و خلاف نادانان باید تأکید ورزید که هم رژیم شاهنشاهی، سیاست و اقتصادش در خدمت به طبقه سرمایه‌داری وابسته بود و هم رژیم جمهوری اسلامی، همه هم و غمش، تأمین منافع نظام‌های امپریالیستی‌ست. با این اوصاف تبلیغ و ترویج گونه‌گونه، از نظام کنونی با نظام گذشته - و آن‌هم با هر استدلال و برهانی -، چیزی جز، وارونه جلوه دادن ماهیت حقیقی نظام‌های وابسته به امپریالیست‌ها نیست. واقعیت این است که بالا کشیدن اموال عمومی و ارتکاب جنایات نظام‌های سرمایه‌داری و از جمله رژیم شاهنشاهی آن‌چنان بالاست که به سادگی نمی‌توان از آن‌ها گذشت و تردیدی در آن نیست که همه نظام‌های سرمایه‌داری در تخالف با منفعت میلیون‌ها انسان محروم‌اند و به جرأت می‌توان تأکید ورزید که بخش اعظمی از غارتگری‌ها و

جنایت‌کاری‌های رژیم گذشته در خفا باقی مانده است، و به‌همان دلیل هم که جامعه ایران از تمامی اعمال سوجدویانه و سرکوب‌گراییانه رژیم جمهوری اسلامی نامطلع می‌باشد.

بنابر این بی‌مناسبت نیست تا در سال‌گرد یازده حوت پنجاه، یکبار دیگر بر این نکته تأکید گردد که، زمانی انقلاب ایران به ثمر خواهد نشست، که ایده‌هایی همچون منفک نمودن ماهیت رژیم شاهنشاهی با رژیم جمهوری اسلامی در درون جامعه و در میان روشن‌فکران، رخت بر بندد؛ زمانی نمادهای پیش‌رفت هر انقلابی را می‌شود به‌عینه دید، که جنبش کمونیستی از خمودگی، رکود و بی‌عملی مفرط بدر آید؛ زمانی می‌توان از شر نظام‌هایی همچون رژیم جمهوری اسلامی خلاصی یافت که بر سر اعتراضات مردمی و جامعه، ایده پرولتری حاکم گردد. این‌ها از زمره اهداف و آرمانی بود که جان‌باختگان یازده حوت پنجاه، پیشه خود ساختند و سر آخر جان خود را وثیقه انقلاب ضد امپریالیستی جامعه مان نمودند.

یادشان گرامی باد!

۲۸ فبروری ۲۰۱۳

۱۰ حوت ۱۳۹۱